پدافند

زندگی مهار نمی‌شود

پدافند یا پاد آفند در مفهوم کلی، مجموعه اقداماتی است که به‌منظور دفع، خنثی‌سازی، کاهش تأثیر اقدامات آفندی دشمن و جلوگیری از دستیابی دشمن به اهداف خودی انجام می‌گیرد.

با این پیش‌فرض و در دنیای روزنامه‌نگاری که به کلمه و تصویر وابسته است، ما موظفیم که مسلح باشیم به زندگی، به حفظ خاطره و تجدید حال خوب. تلخی‌های روزگار در مختصات جنگ، شبیه چشیدن گنه‌گنه است در هرم آفتاب و عطش، اما ما ایرانی هستیم و فارغ از هر سلیقه و اعتقادی وطن‌مان را می‌پرستیم و می‌دانیم که به قول ابوالفتح صحاف، پیروزی رویت خواهد شد حتی اگر در کاسه چشم‌های من و تو گیاه روییده باشد.

بهار امسال بیشتر خودش را به رخ کشیده است. نتیجه اینکه دریاچه‌ها جان دوباره گرفته‌اند و مردم هم گویی با پشتوانه آسمان آبی و زمین حاصلخیز، جنگ را تاب می‌آورند. نمونه‌اش همین عکس‌هایی است که طاهره رخ‌بخش از حضور مردم در حوالی دریاچه مهارلو در استان فارس منتشر کرده است؛ عکس‌هایی که شمایل ایران زیبا دارند و مردمان مهربان و مقاومش.

هشتگ

امتحانات نهایی، شاید استانی

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش روز گذشته در نشست خبری‌ای که در مدرسه علامه حلی یکی از مدارس آسیب‌دیده جنگ رمضان برگزار شد، گفت: با مصوبه شورای معاونان و تأکید وزیر آموزش و پرورش، تمامی آزمون‌های هماهنگ کشوری از پایه هفتم تا دهم لغو و به‌صورت استانی و منطقه‌ای و با مدیریت ادارات کل آموزش و پرورش برگزار خواهد شد. علی فرهادی با بیان اینکه در مقطع ابتدایی نیز برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای انجام شده تا معلمان بتوانند زمان آموزش را تکمیل کنند و با توجه به یک هفته تعطیلی در آغاز جنگ، ثبت نتایج ارزشیابی توصیفی از ۹ خرداد ۱۴۰۵ آغاز می‌شود اعلام کرد: آزمون‌های استانی و منطقه‌ای پایه هفتم تا دهم نیز از ۹ خرداد آغاز خواهد شد. او درباره دانش‌آموزان پایه یازدهم و دوازدهم گفت: این دانش‌آموزان باید در آزمون‌های نهایی شرکت کنند، زیرا نتایج آن در کنکور تأثیرگذار است. با این حال، زمان برگزاری آزمون‌ها تابع زمان کنکور است. او همچنین تأکید کرد اگر شرایط کشور اجازه برگزاری کنکور و آزمون‌های نهایی را ندهد، آزمون‌ها به‌صورت داخلی و منطقه‌ای برگزار می‌شود.

سه پیروزی تا نابودی کامل

پاسخ کنایه‌آمیز مسئولان به رئیس‌جمهور آمریکا

جامعه امروز

ترامپ در شبکه خود تروث‌سوشیال از نزدیک شدن پایان مهلتی که برای بازکردن تنگه هرمز داده بود نوشته و با ادبیات خلاف ادب، ایران را تهدید به تخریب پل‌ها و نیروگاه‌ها و برپایی جهنم کرده است. او در نوشته‌های قبلی هم از بازگرداندن ایران به عصر حجر گفته بود. مسئولان و سیاستمداران ایرانی نیز در فضای مجازی پاسخ‌های کوتاهی به تهدیدات او داده‌اند و از برپایی جهنم برای ترامپ گفته‌اند.

شکست با پیروزی
محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس

اگر ایالات متحده سه پیروزی دیگر مثل این به دست آورد، کاملا نابود خواهد شد.

عصر حجری‌ها خطرناکند
محمدجواد آذری جهرمی
وزیر سابق ارتباطات ایران

یک کشور و ملت عصر حجری، خطر بسیار بزرگی برای شما و متحدان شما در سراسر دنیا خواهند بود آقای ترامپ! این را از صاحب‌نظران توسعه و امنیت در دانشگاه‌های خودتان بپرسید.

تغییر رژیم!
محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور

بله رژیم تغییر کرده، البته رژیم تنگه هرمز! رژیم تنگه هرمز دیگر مانند گذشته نخواهد بود؛ دولت مصمم است دستاورد میدان را به منفعت پایدار اقتصادی و امنیتی برای کشور تبدیل کند.

کلید تنگه
سفارت ایران در زیمبابوه

ما کلیدها را گم کرده‌ایم (طعنه به باز کردن تنگه هرمز)

خاموش کردن آتش بلدی؟
اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان سیاستگذاری و مدیریت راهبردی انرژی

قبول دارم جهنمی برپا می‌شود اما برای تو و متحدانت! نتیجه را از حالا ببین و قبلش خسارت را حساب کن. نفت ۱۵۰دلاری، قطع برق و بی‌آبی حامیانت در منطقه، شوک مالی به آمریکا، تورم جهانی بی‌سابقه. ما هم بلدیم آتش بزنیم تو خاموش کردنش رو بلدی؟

اِاِاِ...نابود شدیم
سفارت ایران در لندن

ترامپ: ایران نیروی دریایی و نیروی هوایی ندارد و موشکی برایش باقی نمانده است.
ایران: ضربه به اف ۱۵، اِی ۱۰، هلی‌کوپتر بلک‌هاوک و اف ۱۶ در کمتر از ۲۴ ساعت.

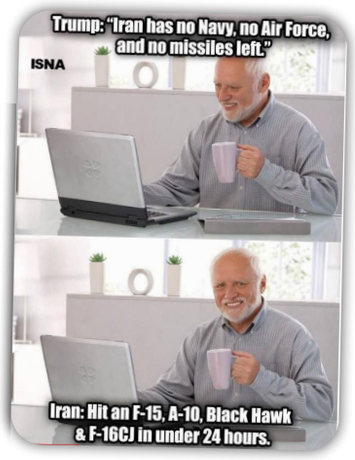

چنج آمریکایی
سایمون دیکسون، تحلیلگر

طعنه سایمون دیکسون، تحلیلگر بریتانیایی به اخراج‌های مکرر ژنرال‌های آمریکایی: «به نظر می‌رسد ایران موفق به تغییر رژیم در آمریکا شده است.»

نیروی صندلی
سفارت ایران در تونس

نیروی هوایی (Air Force)؟
نه
نیروی صندلی‌ای (CHAIR Force)!

چی شد؟
سفارت ایران در آفریقای جنوبی

با طعنه به موج برکناری‌ها در وزارت جنگ آمریکا، از رژیم چنج به سبک ترامپ علیه خودش استفاده کرد.

جنگ زمینی
سفارت ایران در تایلند

هم‌اکنون در ایران

درمان رایگان تا پایان جنگ

هر لحظه از جنگ رمضان در کنار تمام خسارت‌ها و رنج‌هایی که به بار آورده، لحظاتی دارد که در تاریخ ردی از انسانیت و وطن‌دوستی به جای خواهد گذاشت؛ درست مانند پزشکی که در میان تجمعات شبانه تهران، پیام همراهی را به هموطن‌های خود مخابره کرد. دختر جوانی با در دست داشتن یک مقوا به عابران و حاضران در خیابان اعلام کرد که «ویزیت رایگان تا پیروزی جنگ». جزئیات بیشتر این نوشته نشان می‌دهد که این دختر جوان در یک کلینیک فیزیوتراپی فعال است و در دست دیگرش هم با نوشته «خدا کند که بمیرم، وطن‌فروش نباشم»، خط و ربطش را با این کار خیرخواهانه‌اش مشخص کرده است.

شاهدان عینی یک جنایت

عکاسانی که در لحظه انفجار پل B1 حضور داشتند از جزئیات این جنایت جنگی می‌گویند

مکث

هیچ محدودیت مالی برای بازسازی پل نداریم

چند روزی از ۱۳فروردین و روزی که با حمله آمریکا به پل معروف کرج، کام تمام ایرانی‌ها تلخ شد، می‌گذرد. در این میان روایت‌های مختلفی از ۲بار حمله موشکی به بزرگ‌ترین پل خاورمیانه منتشر شده است و بسیاری منتظر هستند تا به‌زودی شاهد روند بازسازی پل B1 باشند. در همین رابطه مهرداد کیانی، شهردار کرج به همشهری گفت: «هنوز ارزیابی از میزان خسارت پل نداریم. این پروژه بسیار مهم و فنی است و کارشناسان مختلفی باید اظهارنظر کنند. باید بحث ایمنی و حتی حمله مجدد بررسی شود. مسئولان حوزه‌های مختلف باید مراجعه کنند و نظر بدهند تا میزان خسارت واردشده را ارزیابی کنیم.»

او افزود: «ما حتی نمی‌دانیم که به شکل دقیق چقدر خسارت وارد شده است، چون به هیچ عنوان دسترسی به بالای پل وجود ندارد. اما در دستور کار ماست که به‌سرعت دست به بازسازی پل بزنیم. ما به مردم قول می‌دهیم که در کوتاه‌ترین زمان ممکن نسبت به بازسازی اقدام کنیم و این پل را در اختیار مردم قرار دهیم. ما هیچ محدودیت مالی‌ای نداریم. بازسازی پل جزو اولویت‌های ما در مدیریت شهری است.»

کیانی همچنین در مورد نامگذاری این پل توضیح داد: «نام شهید رئیسی روی این پل است که در راه ایران به شهادت رسید. B1 همان مخفف bridge one یا همان پل یک، اسم کارگاهی است و اسم قطعی و نهایی نیست. پروژه‌ها وقتی پل‌های متعددی دارد با عنوان کارگاهی شناخته می‌شوند، ما هم در همین پروژه پل B1 تا B27 را داریم. B1 پس از بازسازی به نام شهید رئیسی نامگذاری خواهد شد.

گزارش

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | موشکباران پل بی۱(پل بیلقان) از اتفاقات تلخی بود که روز سیزدهم فروردین رقم خورد و موجب شهادت ۱۳ نفر و زخمی شدن بیش از ۹۰ نفر از هموطنانمان شد. قربانیان این جنایت دشمن صهیونی-آمریکایی تعدادی از اهالی روستای بیلقان، رهگذران و خانواده‌هایی بودند که برای گذراندن روز سیزدهم فروردین در دامن طبیعت به سر می‌بردند و شاهدان عینی آن لحظات، عکاسان خبری بودند که برای ثبت و ضبط این جنایت، پس از حمله اول در محل حاضر شدند. تصاویر تکان‌دهنده‌ای که به وسیله دوربین این عکاسان خلق شد، راوی بخشی از صحنه‌هایی است که آنها شاهد بودند و گزارش زیر نقل ناگفته‌های آنها و اتفاقات تلخی است که هرگز از ذهن‌شان پاک نمی‌شود.

آب و سبزه‌هایی که با خون مردم سرخ شدند

لحظه انفجار پل بی ۱ به وسیله دوربین‌های خبری مختلف به تصویر کشیده شده است. نسترن کرمانی از عکاسان خبرگزاری فارس است که در نخستین ساعات انفجار پل در محل حضور داشته و شاهد دومین حمله به این شاهکار معماری مهندسان ایرانی بوده است. او تعریف می‌کند: «در نخستین لحظات انفجار که به نزدیکی پل تخریب‌شده رسیدم، مردم سراسیمه و وحشت‌زده مشغول تخلیه نقاط حوالی پل بودند. نیروهای امدادی هلال احمر و شهرداری در محل حاضر بودند و رسیدگی به مجروحان و سر و سامان دادن اوضاع را آغاز کرده بودند. با آنکه نیروهای نظامی اعلام کردند جنگنده‌های دشمن هنوز در آسمان هستند و خطر وجود دارد، عکاسان و نیروهای امدادی محل را ترک نکردند. وقتی با امدادگران هلال احمر برای عکاسی و کمک به زخمی‌ها همراه شدم، شاهد صحنه‌های تکان‌دهنده‌ای بودم که دشمن برای مردم عادی رقم زده بود؛ افرادی غیرنظامی که برای گذراندن روز طبیعت به آنجا آمده بودند.» او انفجار پل بی ۱ و قربانی شدن خانواده‌هایی را که برای سیزده‌بدر در آنجا حضور داشتند، شاهدی می‌داند بر ردادعاهای مضحک دشمن آمریکایی-صهیونی در تعهد و دوستی نسبت به مردم ایران: «من هرگز این صحنه و ظلمی که دشمن در حق مردم بی‌گناه کرد را نمی‌توانم فراموش کنم. من به چشم خودم دیدم آنها جان همان مردمی را گرفتند که کنار رودخانه زیرانداز انداخته بودند و بازی و شادی کودکان‌شان را تماشا می‌کردند...»

دخترکانی که قربانی شدند

ویلاها و نقاط مرتفع و سرسبز حوالی پل از محل‌های تجمع گردشگران بوده است: «درحالی که مردم در حال تخلیه محل بودند و ما در گوشه‌ای پناه گرفته بودیم، انفجار دوم صورت گرفت و قطعات سیمانی و میلگردهای آهنی تکه‌پاره‌شده پل مانند رگبار به اطراف پراکنده شدند. بعد از انفجار از طریق حصار بالا خودمان را به محل ویلاهای حوالی پل رساندیم که مردم در داخل و اطراف آنها بودند. وقتی به آنجا رسیدیم تعداد شهدا و زخمی‌هایی که با بدن‌های خون‌آلود روی زمین افتاده بودند به اندازه‌ای زیاد بود که حدود ۲ ساعت طول کشید تا مجروحان را جمع‌آوری کنیم و تحویل واحدهای امدادی دهیم.» در یکی از آثار کرمانی کفش‌هایی دخترانه به تصویر کشیده شده است: «بعد از انفجار اول، مادری درحالی که کودکش را در آغوش گرفته بود هراسان و وحشت‌زده از آنجا دور می‌شد. وقتی لنگه کفش دخترچه روی زمین افتاد مادر سراسیمه و بی‌توجه به آن به دویدنش ادامه داد و من از کفش به جا مانده از دخترچه عکس گرفتم.» تعداد زیادی از شهدا و مجروحان حمله به پل بی ۱ زنان و کودکان بودند: «یکی از شهدا خانمی بود که بدنش پاره پاره شده بود. در میان مجروحان هم دخترچه‌ای دیدم که سرتا پایش خون‌آلود، ولی آسیب جسمی ندیده بود و با گریه از ما می‌خواست به مادرش کمک کنیم، اما وقتی او را به نیروهای امدادی تحویل دادم و به سراغ مادرش رفتم، مادر کودک شهید شده بود...» شدت حملات به پل به اندازه‌ای بوده که بسیاری از منازل مسکونی اطراف هم آسیب دیده‌اند: «پل بی ۱، ۱۳۰ متر ارتفاع داشت و ترکش‌هایی که از روی پل پرتاب شده بودند سقف خانه‌ها را شکافته و بر سر ساکنانش آوار شده بودند....»

انجام وظیفه در دل خطر

عارف فتحی از عکاسان خبرگزاری دانشجو هم این جنایت جنگی را به تصویر کشیده است. او به سختی توانسته یکی از عکاسان حاضر در صحنه را از خطر دور کند: «من و خانم پرماه که از عکاسان خبری است، بعد از حمله به پل به محل انفجار رفتیم. ما در فاصله ۱۵-۱۰ متری پل مشغول عکاسی بودیم که دوباره حمله شد. سنگ و سیمان‌های پل که به پایین پرتاب می‌شدند، به آدم‌ها و رهگذران اطراف پل اصابت می‌کرد و آدم‌ها هم بر اثر شدت انفجار و برخورد با قطعات پل، به چند متر دورتر پرتاب می‌شدند. خانم پرماه با دیدن این صحنه‌ها وحشت‌زده شده بود و من به زحمت توانستم او را از تیررس این اصابت‌ها دور کنم.» تصاویری که فتحی از اصابت موشک‌ها به پل ثبت کرده، به خوبی شدت حملات وحشیانه دشمن به این سازه غیرنظامی را نشان می‌دهد: «وقتی دوباره به محوطه مشرف به پل برگشتم هنوز حملات دشمن ادامه داشت و توانستم از موشک دوم و سوم عکاسی کنم. موشک چهارم با فاصله کمی فرود آمد و وقتی دیدم ریزش پل بیشتر شده و قطعات سیمانی بیشتری پایین می‌افتند، شروع به دویدن کردم تا از آنها فاصله بگیرم. در همان حال دیدم که یک موتورسوار با موتورسیکلتش از پل به پایین سقوط کرد. نیروهای انتظامی با دیدن این شرایط از عکاسان خواستند محل را ترک کنند. ما درحالی که در طول مسیر از امدادرسانی به مجروحان و شهدا عکاسی می‌کردیم از آنجا دور شدیم....»